

بررسی ارتباط بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری در بانک های پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران*

جمال بحری ثالث

استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران
j.bahri@iaurmia.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۵

چکیده

قدرت و اختیار تصمیم گیری در شرکتهای سهامی در اختیار طبقاتی از مدیران است که دارای تضاد منافع فردی با منافع گروههای برون سازمانی به ویژه سهامداران می باشند. مدیران به جهت اثر گذاری بر قیمت های بازار در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاستها و روشهایی استفاده می کنند که نوسان سود گزارش شده را کاهش دهند. شواهد مستقیم و غیرمستقیم نشان می دهد که سود واقعی و پیش بینی شده هر سهم اثرات با اهمیتی بر قیمت بازار سهام دارند. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود در بانکهای پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران بین سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می باشد. جامعه تعدیل شده پژوهش نیز شامل ۶۵ سال-بانک می باشد. برای پاسخ به سوالات پژوهش یک فرضیه از طریق رگرسیون لجوجیت باینری به شکل خطی چند متغیره با دادههای تلفیقی (پولد) مورد بررسی و آزمون قرار می گیرد. یافتههای پژوهش نشان می دهد مدیران خوشبین تر به نسبت سایر مدیران تمایل بیشتری جهت گزارش سودهای هموار شده از طریق ارقام تعهدی اختیاری دارند. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد بانکهای بزرگتر و قدیمی تر نیز به احتمال زیاد جهت گزارش سودهای هموار شده از طریق ارقام تعهدی اختیاری اقدام می کنند.

واژه های کلیدی: خوش بینی مدیریت، هموارسازی سود، ارقام تعهدی اختیاری.

* این مقاله حاصل طرح پژوهشی است که بودجه پژوهشی آن را دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه تامین نموده است.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل بهبود عملکرد شرکت، رفتار مدیر و تصمیم‌گیری او است. طبق نظریه انتظارات منطقی و عقلایی و فرضیه مباشرت (نظارت) مسئولیت مدیریت واحد تجاری فراهم کردن نظارت مستقل بر عملکرد شرکت و همچنین پاسخگویی در قبال سهامداران و ذینفعان است. شاید اصلی‌ترین ابزار نظارت بر عملکرد شرکت‌ها تهیه و ارائه مجموعه صورت‌های مالی واحد تجاری باشد. محتوای اطلاعاتی داده‌های حسابداری خصوصاً سود حسابداری در تحقیقات بسیاری به اثبات رسیده است (والاس، ۱۳۹۰). در بیانیه شماره یک هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۱ بیان شده است که سرمایه‌گذاران، بستانکاران و دیگران از سود برای ارزیابی توانایی سودآوری، پیش‌بینی سودهای آتی، ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت یا دادن اعتبار به شرکتی استفاده می‌کنند. از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود نتیجه‌ی فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند. ولی به عنوان معیار اساسی اندازه‌گیری، همچنان مورد تردید قرار دارد. بر مبنای مفروضات بازار کارای سرمایه، تحقیقات تجربی مؤید آن هستند که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد. البته حسابداران حرفه‌ای چه برای اندازه‌گیری سود و چه برای شناسایی اطلاعات انعکاس یافته در محاسبه‌ی سود حسابداری، همچنان بر نقش اندازه‌گیری سود تأکید ورزیده و تحلیل‌گران مالی نیز خواهان اندازه‌گیری و انتشار آن می‌باشند (هندریکسون و ونبردا، ۱۹۹۲). هموارسازی سود عبارت است از تلاش مدیریت واحد تجاری برای کاستن نوسانات غیرعادی سود، تا آن اندازه که اصول مستدل و منطقی حسابداری و مدیریت اجازه داده باشند. پدیده‌ی هموارسازی سود بطور بالقوه می‌تواند در رفتار استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مؤثر واقع گردد (بیدلمن، ۱۹۷۳). مبنای نظری و تحقیق‌های تجربی گذشته نشان می‌دهد مدیران شرکت‌ها برخی مواقع سود را پایین تر و در برخی مواقع سود را بالاتر از سود اقتصادی واقعی گزارش می‌کنند (باومن، ۲۰۱۴). پژوهش‌های اخیر انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد مدیران عامل به طور فعال دست به هموارسازی سود می‌زنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵).

درباره‌ی انگیزه‌های هموارسازی سود، رویکرد تحریف در مقابل رویکرد اطلاعات مطرح شده است. رویکرد تحریف بیان می‌کند که مدیران به منظور دستیابی به پاداش یا حفظ موقعیت شغلی خود اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. در مقابل، رویکرد اطلاعات از هموارسازی سود به عنوان ابزاری

برای مدیران یاد می‌کند که اطلاعات محرمانه‌ی آن‌ها درباره‌ی سودهای آتی را آشکار می‌سازد (حقیقت و رایگان، ۱۳۸۷).

با این وجود سطح هموارسازی سود در بین شرکت‌های مختلف متفاوت بوده و بستگی به عوامل متعددی دارد. متفاوت بودن سطح هموارسازی سود در بین شرکت‌ها باعث شده تا پژوهش‌گران حوزه مالی و حسابداری به شناسایی عوامل شناخته نشده موثر بر هموارسازی سود بپردازند. اکثر پژوهش‌های قبلی بر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها تمرکز داشتند این در حالی است که پژوهش‌های اخیر بر تحلیل ویژگی‌های تصمیم‌گیرندگان و افراد دخیل در هموارسازی سود تمرکز دارند. برای مثال هیللی (۱۹۸۵) و برگسترسر و فیلیپون (۲۰۰۶) تأثیر پاداش مدیران را بر هموارسازی سود مورد بررسی قرار دادند. کلین (۲۰۰۲) و بوون و همکاران (۲۰۰۸) نقش ویژگی‌های هیئت مدیره بر هموارسازی سود را مطالعه نموده‌اند. جی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی مدیران عامل (همچون سن و سطح تحصیلات) و هموارسازی سود پرداخته‌اند. باور ها و عقاید مدیران نیز می‌تواند یکی از عوامل مهم در تبیین هموارسازی سود باشد (باومن، ۲۰۱۴). زمانی که باور خوش بینی به عنوان یک باور جهت دار و رو به بالا درباره مسائل آینده تعریف می‌شود، بنابراین به طور گسترده بر تصمیمات شرکت‌ها و اشخاص نیز در رابطه با آینده موثر خواهد بود. هریبار و یانگ (۲۰۱۲) نشان دادند مدیران خوش بین تر علاقمند به پیش بینی خوشبینانه سود دارند، سودی که اغلب محقق نمی‌شود.

یک فرد خوش‌بین بیش از یک فرد منطقی احتمال دارد که به درآمدهای بالاتر در آینده دست یافته و درآمدهای فعلی را افزایش دهد، که بدان معنا است که یک فرد خوش‌بین می‌تواند درآمدهای جاری بالاتری را نسبت به یک مدیر منطقی گزارش دهد. گرچه محدودیت حاکم بر افزایش موقتی به این معنا است که احتمال بیشتری وجود دارد که فرد خوش‌بین آزادی عمل کمتری برای گزارش درآمدهای بالا در آینده داشته باشد. به عبارت دیگر با توجه به توزیع یکسان درآمدهای حقیقی، یک مدیر خوش‌بین نمی‌تواند به طور پیوسته درآمدهای بالاتری از یک مدیر منطقی گزارش کند، که باعث می‌شود هموارسازی مفهوم خوش‌بینی به اندازه این مشاهده آشکار نباشد که یک فرد خوش‌بین نسبت به یک مدیر منطقی گرایش طبیعی بیشتری به افزایش درآمدها دارد، در حالی که سایر مسائل برابر هستند. بنابراین به صورت تجربی به پرسش هموارسازی پاسخ می‌دهیم، اما توضیح نظری احتمالی دیگری نیز برای این یافته‌ها وجود دارد (باومن، ۲۰۱۴).

ناخواسته صورتهای مالی را بیش از حد خوش بینانه، غلط و غیر واقعی ارائه دهد (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳).

ادبیات تئوریک دو دیدگاه متضاد پیرامون خوش بینی مدیر بر عملکرد شرکت ارائه نموده است. دیدگاه اول بیان می‌دارد که خوش بینی بیشتر باعث ارتقای عملکرد شرکت می‌گردد. هنگامی که مدیر از اعتماد به نفس بالای مدیران بالاتری برخوردار باشد برقراری ارتباط موثر با دیگران رو به افزایش خواهد بود (هرمالین و ویسبک، ۲۰۱۰)، به نظر لیپتین و پورچ (۱۹۹۲) زمانیکه خوش بینی و اعتماد به نفس مدیر کم باشد، کنترل و نظارت بر عملکرد کارمندان و به تبع آن عملکرد شرکت بصورت کارا صورت نمی‌پذیرد. همچنین از نظر جنسن (۱۹۹۳) ضمن آنکه طرح‌ریزی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم به جهت نظارت بر امور به قوت و قدرت خود برگزار نمی‌شود. به عبارتی یک مدیر با اعتماد به نفس پایین، توانایی خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در یک جایگاه نمادین قرار می‌گیرد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

دیدگاه دوم بیان می‌دارد که یک مدیر با توانایی‌های رفتاری بالا از مزیتها و منافع نظرات و پیشنهادات تخصصی و متنوع برخوردار است، همچنین مدیری که از خوش بینی و اعتماد بنفس بالاتری برخوردار است در زمینه‌هایی از قبیل تجربه، مهارت و غیره مزیت دارد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

به جهت اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیریت معیارهای شامل: معیارهای مبتنی بر مالکیت اختیار معامله (توسط مدیران) به مدت طولانی^۲، نگهداری اختیار معامله- (توسط مدیران) تا زمان سررسید^۳، اعتیاد به خرید سهام^۴، پوشش رسانه‌ها^۵، پیش بینی سود و میزان حقوق مدیران معرفی و توسط محققین مختلف بکار گرفته شده است.

لین و همکاران (۲۰۰۵) از سودهای پیش بینی شده توسط مدیران، به عنوان معیارهای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیران استفاده کردند. در صورتی که تعداد دفعاتی که مدیران سود را بیش از واقع پیش بینی می‌کنند بیش از تعداد دفعاتی باشد که سود را کمتر از واقع پیش بینی می‌کنند، مدیران دارای اطمینان بیش از اندازه شناسایی می‌گردند. هریبار و یانگ (۲۰۱۱) نشان دادند که سودهای پیش بینی شده توسط مدیران دارای اطمینان بیش از حد، خوش بینانه‌تر از سودهای پیش‌بینی شده توسط سایر مدیران است. معیار سود پیش‌بینی شده جهت اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیران در پژوهش‌هایی از جمله هوانگ و همکاران (۲۰۱۱)، بن‌دیوید و همکاران (۲۰۰۷) و لی و تانگ (۲۰۱۰) استفاده شده است.

در سال‌های اخیر که مبحث نحوه مدیریت در ارزیابی عملکرد، مسئولیت پاسخگویی و دیگر موارد جایگاه ویژه‌ای یافته است، این سؤال مطرح می‌شود که آیا سود خالص گزارش شده یک بنگاه اقتصادی که متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است، امکان ارزیابی عملکرد و مسئولیت پاسخگویی را فراهم نموده و می‌تواند سودآوری یک بنگاه اقتصادی را نشان دهد؟ آیا بازار به کیفیت سود نیز توجه دارد و اگر چنین است نقش مدیریت در ارتباط با آن چگونه است؟ بنابراین دستیابی به شاخصی کاربردی از خوش‌بینی مدیریت برای شناسایی، مقایسه و تعدیل (هموارسازی) سودهای گزارش شده در شرایط کنونی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد به خصوص که تا کنون چنین پژوهشی با انتخاب صنعت بانکداری در ایران انجام نشده است. به تبع میانی نظری ذکر شده این پژوهش با نگرشی متفاوت نسبت به اندازه‌گیری هموارسازی سود (با اتکاء بر اقلام تعهدی اختیاری) و انتخاب صنعت مهم و تاثیر گذار بانکداری به بررسی رابطه بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود می‌پردازد. این مطالعه به بررسی رابطه بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود می‌پردازد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- خوش بینی مدیریت

اطمینان بیش از اندازه، یکی از مهمترین یافته‌های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم‌گیری است. افراد هم در مورد توانایی خود در پیش بینی و هم در مورد دقت اطلاعاتی که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، برآوردی بیش از اندازه دارند، اغلب مردم خود را از آنچه واقعا هستند، باهوش تر می‌پندارند و بر این باورند که اطلاعات بهتری نیز در اختیار دارند. اطمینان بیش از اندازه بیانگر تمایل به برآورد بیش از حد تواناییها و خلاقیت‌های خود می‌باشد (دانیل و هیرشلیفر، ۲۰۰۲).

اطمینان بیش از اندازه مدیر عامل معمولاً به صورت توانایی مدیر عامل در پیش بینی نتایج مثبت تر یا دست بالا گرفتن احتمال نتایج تعریف می‌شود (مالمیندر و تیت، ۲۰۰۸). مدیر عامل فرا اطمینان به وسیله‌ی دست بالا گرفتن نتایج مطلوب و دست کم گرفتن خطای نتایج محتمل تعریف می‌شود. بنابراین استدلال شده است که اطمینان بیش از اندازه مدیر عامل نوعی از تشخیص پیش از وقوع است که جایگاه گزارش مالی نادرست را توجیه می‌کند که می‌تواند به ارائه مجدد ختم شود. علاوه بر این ادعا شده است که چون مدیر عامل بیش از حد مطمئن ممکن است از تعصب خود آگاه نباشد، در ذهن خود به صورت

۲-۲- هموارسازی سود

مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده‌ی اصول پذیرفته شده حسابداری جهت هدایت سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است. یکی از اهداف دستکاری سود، هموارسازی سود می‌باشد. لذا هموارسازی سود را می‌توان بخشی از مدیریت سود دانست. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود (رونن و سیمچا، ۱۹۸۱) و مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاستها و روشهایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند (سوک و میلر، ۲۰۰۲). وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریان‌ها در هنگام نیاز تامین کند. محققان هموارسازی سود از این باور تبعیت می‌کنند که انحصار بازار با جریان ثابت سود همراه می‌شوند. این باور براساس مشاهدات علی و روش تخمین ریسک است. تغییرات سود معیاری برای ریسک است. بنابراین، اگر برای کل سود، تغییرات را کاهش دهیم، تصور بازار نسبت به ریسک تغییر خواهد یافت (اعتمادی و جوادی، ۱۳۸۸). پیرو مدیریت سود، هموارسازی سود نیز از دو طریق هموارسازی واقعی و تصنعی سود انجام می‌گیرد.

هموارسازی واقعی، نوعی از هموارسازی سود است که مدیریت با تغییر زمانبندی برخی از رویدادها و وقایع اقتصادی را کنترل می‌کند. این نوع هموارسازی سود معمولاً از طریق سه عامل شامل (افزایش تولید و کاهش هزینه‌های ثابت سربار، کاهش هزینه‌های اختیاری نظیر تبلیغات و تسریع در زمان بندی فروش از طریق اعطای تخفیفات بیشتر با شرایط اعتباری آسانتر) انجام شده و بر جریان وجه نقد ورودی و خروجی شرکت تاثیرگذار است. از آنجایی که کنترل رویدادهای اقتصادی مستقیماً بر سودهای آتی موثر واقع می‌شود، هموارسازی از این نوع را هموارسازی واقعی می‌نامند (ایکل، ۱۹۸۱). هموارسازی تصنعی نوعی از هموارسازی است که ناشی از یک رویداد اقتصادی نمی‌باشد بلکه از اقدام‌هایی است که اصطلاحاً به آن دستکاری اختیارات حسابداری می‌گویند این نوع از هموارسازی تأثیری بر جریان وجه نقد ندارد؛ به عبارت دیگر هموارسازی تصنعی صرفاً موجب جابجایی هزینه‌ها و درآمدها بین دوره‌های مالی می‌شود (ایکل، ۱۹۸۱).

۲-۳- تفاوت نقش تغییرات حسابداری و اقلام تعهدی در

اندازه گیری هموارسازی سود

پژوهش‌های مختلف از طریق بررسی جمع اقلام تعهدی و تغییرات حسابداری به محاسبه هموارسازی سود پرداخته‌اند. هیلی از هر دو روش جمع اقلام تعهدی و تغییرات حسابداری برای آزمون تاثیر طرح‌های پاداش بر تصمیمات حسابداری استفاده نموده است. اگرچه وی با استفاده از هر دو نماد هموارسازی سود، شواهد پشتیبانی کننده‌ای برای فرضیه‌های خود یافت، اما او ابراز می‌داشت که روش جمع اقلام تعهدی کاربردی‌تر از روش تغییرات حسابداری است. زیرا تغییر روش‌های حسابداری در مقایسه با تغییر اقلام تعهدی بسیار دشوار و پرهزینه است علاوه بر این، تغییر روش‌های حسابداری بر سود و پاداش مدیران در سال جاری و سال‌های آتی تاثیر می‌گذارد، در حالی که تاثیر این تغییر تنها برای سالی که تغییر در آن رخ داده است، افشاء می‌شود. بنابراین، این نماد قادر به کنترل تاثیر روش‌های حسابداری در سال‌های بعد از انجام تغییر نمی‌باشد. به طور کلی، اگرچه روش جمع اقلام تعهدی نیز دارای اختلال است، اما این روش برای کسب هموارسازی سود در اغلب موارد موثرتر از روش تغییر حسابداری است.

۲-۴- خوش بینی مدیران و هموارسازی سود

تحقیقات نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها جهت حفظ موقعیت شغلی انگیزه دارند تا عملکرد خود را با به تاخیر انداختن اخبار بد، بیش از واقع نشان دهند به امید آنکه عملکرد ضعیف آنها با عملکردهای بهتر در آینده پوشیده شود (فولاد و همکاران، ۱۳۹۱). مهم ترین پدیده‌ای که در زمینه خوش بینی در بین مدیران اجرائی بحث می‌شود، خوش بینی مدیران می‌باشد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اشخاص به دانش و توانایی‌هایشان بیش تر از آن چیزی که هست اعتماد دارند، معمولاً پیش بینی افراد از احتمال وقوع پدیده‌ها یا خیلی افراطی یا خیلی تفریطی است و همچنین زمانی که قابلیت پیش بینی کم است یا شواهد و مدارک مبهم هستند، مدیران و متخصصان بیشتر از افراد عادی در معرض خوش بینی قرار می‌گیرند، به طوری که خوش بینی باعث می‌گردد که مدیران به دنبال راههایی باشند که پیامدهای تصمیم‌گیریهای خود را توجیه کنند و به این ترتیب بتوانند احترام دیگران را به خودشان جلب کنند (مالمندیر و همکاران، ۲۰۱۱). در این راستا این سوال مطرح می‌شود که آیا مدیران خوش بین در مواقعی که نمی‌توانند به پیش بینی‌های خوش-

سرانجام بین هموارسازی ساختگی و نوع صنعت ارتباط معناداری وجود ندارد.

پور حیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که هموارسازی سود با استفاده از اقلام اختیاری توسط مدیران شرکت های ایرانی صورت می گیرد و مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت های عملیاتی محرک های اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می باشند. بر خلاف یافته های محققین خارجی اندازه شرکت، نسبت بدهی به کل دارایی ها و نوسان پذیری سود به عنوان محرک های هموارسازی از اهمیت چندانی برخوردار نمی باشند.

هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن را بررسی کردند. سؤال مطرح شده در این تحقیق این است که آیا هموارسازی سود، سود را تحریف می کند و یا منجر به بهبود محتوای اطلاعاتی آن؛ جهت پیش بینی سود، جریان های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی آتی می شود؟ نتایج نشان می دهد که هموارسازی سود، توانایی سود در پیش بینی سود و جریان های نقدی عملیاتی آتی را افزایش می دهد. در حالیکه توانایی مذکور در پیش بینی اقلام تعهدی از طریق هموارسازی سود افزایش نمی یابد.

کردستانی و لطفی (۱۳۹۰) به بررسی ارتباط بین خطای پیش بینی مدیریت از سود سال آتی شرکت و اقلام تعهدی سال جاری پرداختند. آنها معتقدند که؛ به دلیل عدم اطمینان در محیط عملیاتی، برآوردهای مدیران از چشم انداز تجاری شرکت کامل نیست. با توجه به اینکه برآوردهای ناقص مدیران هم فرآیند ایجاد اقلام تعهدی و هم فرآیند پیش بینی سود را تحت تأثیر قرار می دهد، فرض کردند هنگامی که سطح اقلام تعهدی نسبتاً بالا / پایین است، پیش بینی مدیریت از سود در بردارنده خوشبینی / بدبینی بیشتری است. یافته های حاصل از تحقیق آنها نشان دهنده ارتباط مثبت بین اقلام تعهدی و خطای پیش بینی مدیریت از سود است. همچنین نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد این ارتباط مثبت در شرکت هایی که دارای نوسان بیشتری در جریان های نقدی عملیاتی هستند، بیشتر است.

علی نژاد و صبحی (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان تأثیر بیش اعتمادی بر خطای مدیریت در پیش بینی سود شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بیش اعتمادی مدیران بر خطای پیش بینی سود مدیریت تأثیر دارد.

بینانه خود دست یابند چه اقداماتی انجام می دهد؟ آیا هموارسازی سود یکی از این اقدامات می باشد؟

۵-۲- پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش های مرتبط با موضوع این مقاله به بررسی مواردی همچون دلایل تمایل مدیران به هموارسازی سود، تشخیص تجربی هموارسازی سود و تبیین عواملی که منجر تفاوت سطوح هموارسازی سود در بین شرکت ها می شود، پرداخته اند.

باومن (۲۰۱۴) طی پژوهشی با عنوان بیش اعتمادی و هموارسازی سود نشان دادند مدیران خوش بین، بیش از مدیران منطقی اقدام به هموارسازی سود نموده و در نتیجه قدرمطلق اختلاف سود واقعی و پیش بینی شده آنها پایین تر می باشد. هریبار و یانگ (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان اعتماد بیش از حد مدیر عامل و پیش بینی مدیریت، دریافتند به احتمال زیاد مدیران خوش بین، پیش بینی درآمدهای بیش از حد خوش بینانه ای دارند و همچنین این مدیران خطای بیشتری را در پیش بینی سود نیز دارند.

احمد و دولمن (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان اعتماد بیش از حد مدیریتی و محافظه کاری حسابداری، پیش بینی کردند که مدیران با اعتماد به نفس زیاد، تمایل دارند شناسایی سود را تسریع بخشیده و شناسایی زیان را به تأخیر بباندازند؛ چنین مدیرانی، عموماً از محافظه کاری حسابداری کمتر استفاده می کنند. آنها دریافتند که بین مدیرعامل دارای اعتماد بیش از حد و محافظه کاری حسابداری، رابطه منفی وجود دارد.

جی و همکاران (۲۰۱۱) ویژگی های شخصی مدیر عامل (برای مثال سن و تحصیلات) را با هموارسازی درآمدها مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند خوش بینی مدیریتی، که در آن خوش بینی به عنوان تمایل روبه بالا در باورهای راجع به وقایع آینده تعریف می شود، بر گستره وسیعی از تصمیمات جمعی و فردی افراد تصمیم گیرنده اثر می گذارد.

ملا نظری و کریمی (۱۳۸۶) به بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج حاصله نشان می دهد، بین اندازه شرکت (فروش) و هموارسازی سود همبستگی قوی وجود دارد و این ارتباط به صورت معکوس است، هم چنین تفاوت قابل ملاحظه ای بین شرکت های هموار ساز سود از نظر نوع صنعت (محوری یا پیرامونی) وجود ندارد. تنها در سطح سود ناویژه ارتباط ضعیفی بین صنعت و هموارسازی سود مشاهده می شود. هم چنین ارتباط معناداری بین هموارسازی ساختگی سود با اندازه شرکت وجود دارد.

۳-۲- مدل اصلی پژوهش

در این پژوهش بر اساس تحقیق باومن (۲۰۱۴) برای بررسی ارتباط بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود، از مدل رگرسیونی خطی زیر استفاده می شود.

رابطه (۱)

$$ES_{i,t} = \alpha + \beta_1(MO_{i,t}) + \beta_2(SIZE_{i,t}) + \beta_3(M/B_{i,t}) + \beta_4(LEV_{i,t}) + \beta_5(\beta_{i,t}) + \beta_6(Age_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

در رابطه (۱)؛ $ES_{i,t}$ هموارسازی سود؛ $MO_{i,t}$ خوش بینی مدیریت؛ $SIZE_{i,t}$ اندازه شرکت؛ $M/B_{i,t}$ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری $LEV_{i,t}$ اهرم مالی؛ $\beta_{i,t}$ ریسک سیستماتیک؛ و $Age_{i,t}$ عمر بانک می باشند. تعریف عملیاتی متغیرهای ذکر شده در بخش بعدی ارائه خواهد شد.

۳-۳- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

الف) متغیر وابسته (هموارسازی سود)

در این پژوهش برای اندازه گیری هموارسازی سود به تبعیت از تاکر و زاروین (۲۰۰۶)؛ از همبستگی منفی میان تغییر در شاخص اقلام تعهدی اختیاری (ΔDA) و تغییر در سود بدون اقلام تعهدی اختیاری (ΔPDI) استفاده می شود. همچنین برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری، مدل تعدیل شده-ی جونز توسط کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) بکار گرفته شده که به شرح زیر می باشد. کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) در ارتباط با تأثیر عملکرد شرکت بر رفتار اقلام تعهدی، دریافتند زمانیکه عملکرد شرکت بسیار خوب یا بسیار بد است، مدل-های اقلام تعهدی دچار نوعی ناکارایی هستند. بدین ترتیب آنها تلاش کردند متغیر عملکرد را کنترل کنند.

رابطه (۲)

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV}{A_{t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE}{A_{t-1}} \right) + \alpha_4 (ROA_{i,t}) + \nu$$

در رابطه ۲: $TA_{i,t}$ = کل اقلام تعهدی، $REV_{i,t}$ = کل درآمد فروش، $PPE_{i,t}$ = اموال ماشین آلات و تجهیزات، A_{t-1} = کل دارایی های ابتدای دوره، $ROA_{i,t}$ = نرخ بازده دارایی ها و $U_{i,t}$ = باقیمانده مدل (اقلام تعهدی اختیاری).

برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، مدل رگرسیونی معرفی شده در رابطه ۲ برای صنعت بانک در طول دوره پژوهش به شکل مقطعی حداقل مربعات معمولی برازش می شود. سپس اقلام تعهدی

فروغی و نخبه فلاح (۱۳۹۳)، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، منفی و معنی دار است. به عبارتی، وجود ویژگی اطمینان بیش از حد در مدیران ارشد، سبب کاهش محافظه کاری در فرآیند گزارشگری مالی می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود می باشد، بنابراین پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی بوده و از لحاظ روش شناسی از نوع تحقیقات همبستگی علی پس از وقوع می باشد. همچنین این پژوهش به لحاظ ارتباط با محیط پیرامونی از نوع تحقیقات شبه تجربی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی بانک پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای انتخاب جامعه آماری بانک هایی که طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳، در بورس یا فرابورس پذیرفته شده بوده و اطلاعات مالی آنها در دسترس می باشد به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

پس از غربالگری جامعه پژوهش و اعمال محدودیت های فوق تعداد ۶۵ سال-بانک به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. قلمرو زمانی پژوهش شامل پنج دوره مالی (سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۳) می باشد. همچنین برای محاسبه متغیر هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری از اطلاعات سال های (t-1 و t-2) نیز استفاده شده است. برای گردآوری داده های مورد نیاز، نرم افزار ره آورد نوین و اطلاعات منتشر شده بانک ها در شبکه کدال به کار گرفته شده است. تحلیل داده ها و آزمون فرضیه نیز پس از گردآوری داده های مورد نیاز از طریق نرم افزار ایویوز نسخه ۷ انجام شده است.

۳-۱- فرضیه پژوهش

در این پژوهش با توجه به مبانی نظری یک فرضیه به شرح زیر مورد بررسی و آزمون قرار می گیرد:

بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری ارتباط وجود دارد.

۴) ریسک سیستماتیک: ضریب بتا عددی برای مقایسه شدت همسویی تغییرات بازده شرکت مورد نظر با بازده شاخص کل بازار می باشد که از طریق رابطه زیر محاسبه می شود.

رابطه ۳)

$$\beta_{i,t} = \frac{COV(Zp, Zm)}{\delta_m^2}$$

در رابطه (۳)، $COV(Zp, Zm)$ کوواریانس بازده بازار و بازده سهام بانک و δ_m^2 واریانس بازده بازار می باشند.

۵) عمر بانک: عمر بانک از حاصل تفریق سال مورد بررسی و سال تاسیس محاسبه می شود.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش

نتایج تحلیل توصیفی در جدول (۱) درج شده است. مجموع مشاهدات در این پژوهش برابر با ۶۵ سال-بانک طی سال های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می باشد. نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می دهد متوسط معیار بیش اعتمادی مدیران بانک ها منفی بوده و برابر با ۰/۰۷۳- می باشد که این موضوع نشان می دهد مدیران بانکهای پذیرفته شده در بورس و فرابورس تهران به طور متوسط سود پیش بینی شده پایین تری به نسبت سود واقعی گزارش نموده اند. حداقل و حداکثر مقدار بیش اعتمادی مدیران بانکها نیز به ترتیب برابر با ۱/۹۲۸- و ۰/۹۶۵ می باشد. متوسط نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز برای بانک های مورد مطالعه برابر با ۱/۶۱۵ می باشد که نشان می دهد ارزش بازار بانک های قرار گرفته در نمونه حدوداً ۱/۶ برابر ارزش دفتری آنها می باشد. نتایج تحلیل توصیفی همچنین نشان می دهد بانک های قرار گرفته در نمونه به طور متوسط از ۹۰ درصد اهرم مالی در ترکیب تامین مالی خود بهره گیری می کنند. کمترین مقدار و بیشترین مقدار اهرم مالی نیز به ترتیب برابر با ۰/۵۱۶ و ۰/۹۷۰ می باشد. متوسط ریسک سیستماتیک بانک های قرار گرفته در نمونه نیز برابر با ۰/۶۰۳ می باشد که نشان می دهد بازده بانکهای قرار گرفته در نمونه به طور ملایم همسو با بازده کل بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران است. ضریب بتای معادل یک، بزرگتر از یک و کوچکتر از یک، به ترتیب نشان دهنده هم شدت بودن، شدیدتر بودن و ملایم تر بودن بازده سهام شرکت (بانک) مورد نظر، با بازده شاخص کل بازار می باشند. ضریب بتای صفر نیز نشان دهنده بی تفاوتی و استقلال تغییرات بازده شرکت مورد نظر، نسبت به بازده شاخص کل بازار می باشد. در نهایت علامت مثبت ضریب بتا، همسو بودن و علامت منفی این

اختیاری (باقیمانده مدل یا بخش تبیین نشده مدل) از حاصل تفریق کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیراختیاری محاسبه می شود.

مقدار هموارسازی سود، همبستگی منفی (پیرسون) بین تغییر در اقلام تعهدی اختیاری و تغییر در سود بدون اقلام تعهدی اختیاری $\rho(\Delta DA, \Delta PDI)$ است که با استفاده از اطلاعات سال جاری و دو سال قبل محاسبه می شود. سود بدون اقلام تعهدی اختیاری (PDI) را هم می توان با کم کردن اقلام تعهدی اختیاری از سود خالص محاسبه کرد (PDI=NI-DA).

پیرو پژوهش تاکر و زاروین (۲۰۰۶) پس از محاسبه ی ضریب همبستگی برای هر یک از بانک ها در هر سال، بانکهای قرار گرفته در نمونه به دو گروه هموارساز و غیر هموارساز تفکیک می شوند. بدین طریق که اگر ضریب همبستگی محاسبه شده برای هر سال-بانک، مثبت باشد، آن بانک در گروه بانک های غیرهموارساز و در غیر اینصورت (ضریب همبستگی منفی) بانک در گروه بانک های هموارساز قرار می گیرد. برای کمی سازی متغیر کیفی هموارسازی سود نیز برای بانک های هموارساز مقدار یک و برای بانک های غیرهموارساز مقدار صفر لحاظ می گردد.

ب) متغیر مستقل (خوش بینی مدیریت)

برای محاسبه خوش بینی مدیریت از تفاوت درآمد پیش بینی شده و درآمد واقعی بر قدر مطلق سود پیش بینی شده بانک ها استفاده شده است (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰). این مدل خوش بینی مدیریت را از دیدگاه پیش بینی مدیریت اندازه گیری می کند. بدین شکل که اگر بانک سود را فراتر از سود واقعی پیش بینی کند خوش بینی مدیر بالاتر خواهد بود.

ج) متغیرهای کنترلی

در این پژوهش مطابق تحقیق باومن (۲۰۱۴) از پنج متغیر کنترلی به شرح زیر که تاثیر خوش بینی مدیریت را بر هموارسازی سود کنترل می کنند، استفاده می شود.

۱) اندازه شرکت: از طریق لگاریتم مجموع دارایی های بانک ها محاسبه می شود.

۲) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام: از طریق نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در پایان دوره مالی محاسبه می شود.

۳) اهرم مالی: از طریق نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها در پایان دوره مالی محاسبه می شود.

۲-۴- مانایی و نحوه توزیع متغیرهای کمی پژوهش

به جهت بررسی مانایی و نرمال بودن متغیرهای پژوهش به ترتیب از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته و جارک برا استفاده شده است. جدول شماره (۲) به طور خلاصه نتایج این دو آزمون را ارائه می‌کند.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۲) متغیرهای کمی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد از مانایی معناداری برخوردار می‌باشند. نتایج آزمون جارک برا نیز نشان می‌دهد توزیع متغیرهای اندازه بانک و ریسک سیستماتیک از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند.

ضریب، غیرهمسو بودن تغییرات بازده شرکت مورد نظر با تغییرات بازده شاخص کل را نشان می‌دهد. متوسط عمر بانک‌های قرار گرفته در نمونه نیز برابر با ۱۵/۶۶ سال می‌باشد و میانه عمر بانکها نیز ۱۰ سال است. این بدین معنی است که ۵۰ درصد بانک‌های قرار گرفته در نمونه سنی بالاتر از ۱۰ سال دارند. پایین‌ترین سن بانک قرار گرفته در نمونه ۲ و بیشترین سن ۶۲ سال است. نتایج تحلیل فراوانی متغیر کیفی هموارسازی سود نیز نشان می‌دهد تعداد ۲۸ مشاهده هموارساز شناسایی شده اند که ۴۳/۱ درصد از کل مشاهدات می‌باشد.

جدول ۱- نتایج تحلیل توصیفی داده‌های پژوهش

نام متغیر	علامت	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
خوش بینی مدیریت	MO	-۰/۰۷۳	-۰/۰۲۲	۰/۵۰۵	-۱/۹۲۸	۰/۹۶۵
اندازه بانک	SIZE	۱۸/۸۳۲	۱۸/۷۵۲	۱/۲۹۴	۱۶/۰۵۲	۲۱/۰۹۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	۱/۶۱۵	۱/۳۹۷	۰/۹۰۶	۰/۵۷۹	۶/۹۹۳
اهرم مالی	LEV	۰/۹۰۰	۰/۹۲۴	۰/۰۷۲	۰/۵۱۵	۰/۹۶۹
ضریب بتا	B	۰/۶۰۳	۰/۵۶۰	۰/۶۴۴	-۱/۰۳۱	۲/۴۱۶
عمر بانک	Age	۱۵/۶۶۱	۱۰	۱۶/۲۰۴	۲	۶۲
هموارسازی سود	DA-SM	بانک هموارساز	فراوانی-درصد	۲۸	۴۳/۱	
		بانک‌های غیرهموارساز	فراوانی-درصد	۳۷	۵۶/۹	

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی و نرمال بودن متغیرهای کمی پژوهش

نام متغیر	علامت	آزمون مانایی		آزمون نرمال بودن (JB)	
		آماره آزمون	Prob.	آماره آزمون	Prob.
خوش بینی مدیریت	MO	-۹/۴۴۲	۰/۰۰۰	۷۸/۱۵۸	۰/۰۰۰
اندازه بانک	SIZE	-۸/۹۲۰	۰/۰۰۰	۲/۵۱۴	۰/۲۸۴
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-۷/۱۵۷	۰/۰۰۰	۹۱۰/۶۹۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۸/۵۲۵	۰/۰۰۰	۵۰۱/۹۴۰	۰/۰۰۰
ریسک سیستماتیک	B	-۳/۸۸۰	۰/۰۰۴	۰/۶۱۲	۰/۷۳۶
عمر بانک	Age	-۹/۴۹۰	۰/۰۰۰	۳۷/۳۹۳	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون فرضیه پژوهش که در جدول (۳) ارائه شده است، سطح معنی داری آماره LR (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. با توجه به بالا بودن سطح معنی داری در نتایج آزمون‌های نیکویی برازش (آزمون‌های HL و اندروز) نتایج نشان می‌دهد الگوی رگرسیونی مزبور از برازش مطلوبی برخوردار است. نتایج آزمون ضرایب مدل رگرسیونی با توجه به پایین بودن سطح احتمال (Prob.) آماره Z از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) برای ضریب β_1 ، نشان می‌دهد

۳-۴- آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش بیان می‌دارد: بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری ارتباط وجود دارد.

برای آزمون فرضیه فوق مدل رگرسیونی حداکثر درست‌نمایی - لوجیت باینری به شرح زیر استفاده شده و نتایج در جدول (۳) ارائه شده است.

$$DA - SM_{i,t} = \beta_1(MO_{i,t}) + \beta_2(SIZE_{i,t}) + \beta_3(MB_{i,t}) + \beta_4(LEV_{i,t}) + \beta_5(\beta_{i,t}) + \beta_6(Age_{i,t}) + C_{i,t}$$

تمایل بیشتری به نسبت سایر بانکها جهت هموارسازی سود نشان می دهند. بین سایر متغیرهای کنترلی وارد شده و متغیر هموارسازی سود رابطه آماری معناداری مشاهده نگردید. ضریب تعیین مک فادن نیز نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته اند ۴۰/۰۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود رابطه مثبت و به لحاظ آماری معناداری وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت مدیران خوش بین تر تمایل بیشتری به گزارش سودهای هموار شده دارند. همچنین نتایج پژوهش نشان می دهد از متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون، اندازه و عمر بانک ها نیز با هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت بانک های با سن بالا و همچنین بزرگ

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره Z	Prob.
خوش بینی مدیریت	β_1 (MO)	۵/۹۸۹	۳/۲۵۵	۰/۰۰۱
اندازه بانک	β_2 (SIZE)	۱/۱۴۸	۲/۰۴۳	۰/۰۴۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	β_3 (MB)	-۰/۲۵۸	-۰/۳۰۷	۰/۷۵۸
اهرم مالی	β_4 (LEV)	۷/۲۵۶	۰/۷۶۷	۰/۴۴۲
ضریب بتا	β_5 (β)	۰/۶۵۴	۰/۹۸۱	۰/۳۲۶
عمر بانک	β_6 (Age)	۰/۰۶۸	۲/۰۶۸	۰/۰۳۹
مقدار ثابت	C	-۱۵/۷۹۳	-۱/۶۳۵	۰/۱۰۲
آزمون حداکثر درست نمایی (LR Test)			۳۵/۹۵۰	
سطح معنی داری (Prob.)				(۰/۰۰۰)
آماره HL			۱۴/۴۱۱	
سطح معنی داری (Prob.)				(۰/۱۰۸)
آماره اندروز (Andrews Statistic)			۱۵/۴۰۶	
سطح معنی داری (Prob.)				(۰/۱۰۴)
ضریب تعیین مک فادن McFadden R-SQ				۰/۴۰۴

بهتری دارند از این رو، می توان گفت این خوش بینی مدیران می تواند در جهت ابعاد مثبت هموارسازی سود باشد. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان می دهد مدیران خوشبین تر تمایل بیشتری به هموارسازی سود دارند. طبق مبانی نظری پژوهش مدیران جهت رسیدن به ثبات سودآوری در طی دوره های مالی به درآمد پیش بینی شده و همچنین درآمد واقعی توجه خاصی دارند و زمانیکه از تحقق درآمد واقعی و یا انتظار برآورده شده در درآمد پیش بینی شده اطمینان بدست می آروند به هموارسازی سود اقدام می نمایند تا با ثبات سودآوری در طی دوره های مالی هم عملکرد مطلوب خود را نشان دهند و هم به سرمایه گذاران و سهامداران با توجه به ثبات سود، اطلاع رسانی نمایند تا نظر آنها را نسبت به مدیریت و عملکرد آن جلب نمایند بنابراین می توان یکی از سیاست های مدیران بانکها در زمینه هموارسازی را به درآمدهای پیش بینی شده و تحقق یافته مرتبط نمود که این

۵- نتیجه گیری و بحث

سرمایه گذاران به طور عام به رقم سود توجه ویژه ای دارند. آنها سودهای بدون نوسان و یا کم نوسان را با کیفیت تر تلقی می کنند به عبارت بهتر، آنها در بانک هایی حاضرند سرمایه گذاری کنند که روند سود آنها دارای ثبات بیشتری است. بنابراین سودهای گزارش شده همواره به عنوان یکی از معیارهای تصمیم گیری مالی، دارای اعتبار ویژه ای است و اغلب تحلیل گران مالی سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی ها و قضاوت های خود مدنظر قرار می دهند. مدیران انگیزه قوی دارند که سود را مدیریت کنند. مدیران واحدهای تجاری سعی می کنند در فرآیند تعیین سود دخالت نمایند تا رقم سود در راستای اهداف دلخواه آنها گزارش شود. و این مسئله خوش بینی آنها نسبت به دیدگاه سرمایه گذاران نسبت به سود گزارش شده است چرا که؛ بنظر مدیران، سرمایه گذاران و سهامداران به سود کم نوسان نسبت به سود پر نوسان دیدگاه

کردستانی و لطفی (۱۳۹۰)، جو (۱۹۹۱)، سانکار و سامبرامانیام (۲۰۰۱)، کرسچین هیت و ملومد (۲۰۰۲)، هوانگ و همکاران (۲۰۱۰)، سان (۲۰۱۱)، جی و همکاران (۲۰۱۱)، وی و بالجیت (۲۰۱۲) و باومن (۲۰۱۴) همسو می باشد. همچنین، با توجه به تحلیل فرضیه های فوق، نتایج فرضیه پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های حقیقت و رایگان (۱۳۸۷)، هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) و عبدی (۱۳۹۲) همسو نمی باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش می توان پیشنهاد های زیر را ارائه نمود:

الف) به کلیه سرمایه گذاران پیشنهاد می شود هنگام تصمیم گیری در رابطه با سرمایه گذاری در سهام بانک ها یا فروش سهام به تاثیر مثبت خوش بینی مدیریت بر هموارسازی سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری توجه نمایند. هر چند هموارسازی سود جنبه های مثبت و منفی دارد ولی برای کسب بازدهی می تواند تاثیرات با اهمیتی داشته باشد.

ب) به کلیه سرمایه گذاران پیشنهاد می شود هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری به نقش مهم اندازه و عمر بانک ها توجه نموده و در تصمیم های خود لحاظ فرمایند. در نظر گرفتن این نکته مهم که بانک های بزرگ تر و قدیمی تر سودهای هموار شده تری گزارش می کنند برای کلیه سرمایه گذاران مهم می باشد.

* فهرست منابع

- * اعتمادی، حسین، جوادی، مژده، (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران .
- * پورحیدری، امید، افلاطونی، عباس، (۱۳۸۵)، بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- * حقیقت، حمید، رایگان، احسان، (۱۳۸۷)، نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش بینی سودهای آتی، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵ شماره ۵۴؛ از صفحه ۳۳ تا ۴۶
- * عبدی، معصومه، (۱۳۹۲)، محافظه کاری و هموارسازی سود در شرکت های درمانده مالی، دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع در سازمانها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.

ارتباط را بایستی از ابعاد مثبت هموارسازی سود تلقی نمود. چرا که با لحاظ نمودن موارد فوق می توان گفت خوشبینی مدیران باعث وفق دادن مدیران به ارائه اطلاعات غیرواقعی و در بعضی موارد به دستکاری یا مدیریت سود منجر شود. مدیریت سود برآیند درجه هایی از قابلیت انعطاف و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند. مدیران ممکن است از این قدرت خود برای مدیریت فرصت طلبانه سود یا انتقال اطلاعات محرمانه درباره عملکرد آتی بانک استفاده نمایند.

اطلاعات ارائه شده توسط بانک و در نتیجه سود، مبتنی بر رویدادهای گذشته بانک است اما سرمایه گذاران، نیازمند اطلاعاتی راجع به آینده بانک می باشند. یکی از دیدگاه های موجود در این مورد، ارائه صرفاً اطلاعات تاریخی و جاری توسط بانک است البته به نحوی که سرمایه گذاران بتوانند خود پیش بینی های مربوط به آینده را انجام دهند. همچنین می توان گفت که مدیریت با در دست داشتن منابع و امکانات به انجام پیش بینی های قابل اعتماد بپردازد و با انتشار عمومی این پیش بینی ها، کارایی بازارهای مالی را افزایش دهد پیش بینی به سرمایه گذاران کمک می کند تا فرایند تصمیم گیری خود را بهبود بخشند و خطر تصمیم های خود را کاهش دهند. آنها علاقه دارند، منافع آینده سرمایه گذاری خود را برآورد نمایند تا بتوانند درباره دریافت سود نقدی آینده و نیز ارزش سهام خود داوری کنند ولی این پیش بینی ها بایستی واقع نگراانه و براساس وضعیت بازار و رقبای پیش بینی شود چرا که ارائه اطلاعات و پیش بینی های غیرواقعی می تواند ضرر و زیان به سهامداران و در نتیجه زبان هنگفتی به بانک وارد نماید.

همچنین، نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که اندازه بانک و عمر بانک ها نیز با هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد از این رو هموارسازی سود نسبت به اندازه بانک و عمر بانکها نیز واکنش نشان داده است و با افزایش عمر بانکها و همچنین داراییهای بانک، هموارسازی سود نیز بیشتر شده است بنابراین، می توان گفت که بانکهای با عمر بیشتر نیز نسبت به ابعاد مثبت هموارسازی سود معتقدند و مدیران این بانکها نیز نسبت به سودهای پر نوسان دیدگاه مثبتی ندارند به طور کلی نتیجه این فرضیه نشان دهنده جلوه مثبت هموارسازی سود می باشد و از حیاتی نمودن اطلاعات و یا غیر واقعی بودن اطلاعات چشم پوشی نموده اند لذا خوش بینی مدیران منجر به افزایش کل اقلام تعهدی و در نهایت با سازی سود مرتبط است.

در پژوهش حاضر مشاهده گردید که بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد از این رو، نتیجه فرضیه فوق با نتایج پژوهش های

- * Beidleman, Carl R., (1973). Income smoothing: the role of management. *Accounting Review*, 48, 653-667.
- * Ben-David, I, Graham, J R., Harvey, Campbell R., (2007). Managerial Optimism and Corporate Policies. *Duke University Working Paper*.
- * Bergstresser, D, B., Philippon, T, (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 80, 511-529.
- * Bouwman, C. H. S. (2014), Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance*, 41, pp 283-303.
- * Bowen, R M., Rajgopal, Sh, Venkatachalam, M, (2008). Accounting discretion, corporate governance and firm performance. *Contemporary Accounting Research*, 25 (2), 351-405.
- * Brown, R. S, N. (2006), CEO Overconfidence, CEO Dominance and Corporate Acquisitions. Working paper, University of Melbourne.
- * Burgstahler, D., & Dichev, I. D. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 99-126.
- * Hirshleifer D, Subrahmanyam A. (2002), Investor Psychology and Security Market Under- and Over-reactions. *Journal of Finance*. 2002;53(6): 1,839-85.
- * Eckel, N. (1981). "The income smoothing hypothesis revisited. *Abacus*." 17 (1), 28-40.
- * Ge, W, Matsumoto, D, Zhang, J, (2011), Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28, 1141-1179.
- * Goel, A. M. Thakor, A. V. (2008), Overconfidence, CEO Selection, and Corporate Governance. *The Journal of Finance*, 63: pp 2737-2784.
- * Graham, J., C. Harvey, and S. Rajgopal. (2005), The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40, pp 3-73.
- * Healy, Paul M., (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics* 7 (1-3), 85-107.
- * Hermalin, B., & Weisbach, M., (2010). Boards of directors as an endogenously determined institution: A survey of the economic literature. *FRBNY Economic Policy Review*, 9(1): 7-26.
- * Hribar, P. Yang, H. (2010), Does CEO Overconfidence Affect Management Forecasting and Subsequent Earnings Management? Working paper, University of Iowa.
- * Hribar, P. Yang, H, (2012), CEO Overconfidence and Management Forecasting. Working Paper.
- * Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-228.
- * Kirschenheiter M, Melumad N, (2004). Earnings' quality and smoothing. From www.ssrn.com
- * Klein, (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics* 33, 375-400.
- * Kothari, S.P., Leone, A.J. & Wasley, C.E. (2005). Performance matched discretionary accruals
- * علی نژادساروکلاتی، مهدی، صبحی، مریم، (۱۳۹۳)، تاثیر بیش اعتمادی مدیران بر خطای مدیریت در پیش بینی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران، کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
- * فروغی، داریوش. نخبه فلاح، زهرا. (۱۳۹۳)، تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه-کاری شرطی و غیرشرطی، مجله پژوهش-های حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۱.
- * فولاد، فرزانه، یعقوب نژاد، احمد، تالانه، عبدالرضا، (۱۳۹۱)، محافظه کاری و کاهش خطر سقوط قیمت سهم، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۹؛ از صفحه ۹۹ تا صفحه ۱۱۸.
- * کردستانی، غلامرضا، لطفی، احمد، (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط بین خطای پیش بینی سود و اقلام تعهدی، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۲ (۸)؛ از صفحه ۶۳ تا صفحه ۷۸.
- * ملا نظری، مهناز، کریمی زند، ساناز، (۱۳۸۶)، بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۴، ش ۱.
- * واندا ای والاس، (۱۳۹۰)، نقش اقتصادی حسابرسی در بازار های آزاد و تحت نظارت، ترجمه حامی امیراصلانی، نشریه ۱۵۹ سازمان حسابرسی، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ پنجم.
- * هاشمی، سید عباس، صمدی، ولی الله، (۱۳۸۸)، آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره ۱
- * هندریکسن، ای. و اف. ون بردا، (۱۳۸۴)، تئوریهای حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، جلد اول، انتشارات ترمه.
- * Ahmed, A. Duellman, A. (2012), Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism, *Journal of Accounting Research*, Volume 51, Issue 1, pp 1-30.
- * Bao Ben- H, Da- H Bao. (2004). "Income smoothing, earnings quality and firm valuation", *Journal of business Finance & Accounting*, Vol, 31. No, 9- 10.
- * Barros, L. Silveira, A. (2009), Overconfidence, Managerial Optimism and the Determinants of Capital Structure, *Brazilian Review of Finance*, 6(3), pp 293-335.

- measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1): 163-197.
- * Lin, Y. Hu, S. Chen, M. (2005), Managerial optimism and corporate investment: some empirical evidence from Taiwan. *Pacific-Basin Finance Journal*, 13, pp 523-546.
 - * Malmendier, U., G. Tate, and J. Yan. (2011), Overconfidence and Early Life experiences: The effect of managerial traits on corporate financial policies. *The Journal of Finance*, 66, (5): 1687-733
 - * Malmendier, Ul., Tate, G. (2008). Who makes acquisitions? CEO optimism and the market's reaction. *Journal of Financial Economics*, 88, 323-354.
 - * Ronen J., Simcha S., (1981), Smoothing income numbers: Objectives, Means and Implications. Addison-Wesley PaP/Erback Series in Accounting.
 - * Sunder, J. Sunder, S. Tan, L. (2009), The Role of Managerial Overconfidence in the Design of Debt Covenants, *ssrn.com*, abstract 1595007.
 - * Tucker, W. Jennifer, and Paul A. Zarowin, (2006), "Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness?", *The Accounting Review* 81, (1), 251-270.
 - * Tinaikar, S. Xue, S. (2009), Product Market Competition and Earnings Management: Some International Evidence, working papers series, *ssrn.com*, abstract=1466319

یادداشت‌ها

- ¹. Financial Accounting Standard Board (FASB)
- ². Holding Options Too Long
- ³. Holding Options Forever
- ⁴. Habitual Buyer of Stock
- ⁵. Media Coverage